



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

در کنار سایر وظایف آنان در خانه انجام می‌گیرد. ریسیدن پشم به همان روش ساده سنتی یعنی با استفاده از دوک نخ‌ریسی و یا چرخ دستی انجام می‌گیرد. نخ رشته‌شده روی ماسوره‌ها پیچیده‌شده و به عنوان پود در بافت عبا به کار می‌رود.

بافت عبا

عمل بافندگی عبارت از تبدیل دو ردیف نخ به پارچه است. به این صورت که یک ردیف از الیاف در طول پارچه کشیده‌شده که نام «تار» بر آنها نهاده‌اند و الیاف دیگری نیز از عرض پارچه یعنی عمود بر تارها عبور می‌کند که «پود» نامیده می‌شوند. دستگاه‌های ساده بافندگی نیز دارای قسمت‌های مختلفی هستند که کار آنها باید با یکدیگر هماهنگ باشد. ولی چهار مرحله اصلی که وجود آنها برای عمل بافندگی و تهیه پارچه ضروری می‌باشد عبارتند از:

ایجاد تار یا چله‌کشی

تشکیل «دهنه‌ی کار» یعنی جداسازی تارها به دو گروه یک در میان و تشکیل دو سطحی از نخ‌های تار که با یکدیگر زاویه می‌سازند.

پودگذاری یعنی عبور دادن ماکوی حاصل ماسوره‌ی نخ پود از لابلای نخ تار.

دفتین زدن که آخرین عمل اصلی دستگاه بافندگی بلافاصله پس از پودگذاری است و طی آن شانه‌های دفتین با حرکت نوسانی خود، پود افزوده را به لبه‌ی پارچه‌ی بافته (پود قبلی) زده و ضمن ایجاد انسجام در پارچه، تارها را نیز از هم جدا می‌سازد.

زیر پای بافنده، پافشار یا پدال دارد که در

تمیزتر و ارزان‌تر بودن بر پشم شتر برتری یافته است ولی کیفیت و مرغوبیت عباى بافته‌شده از پشم شتر به مراتب بیشتر است. در بافت هر عبا سه کیلو پشم مصرف می‌شود و به علاوه به علت ظرافت الیاف، بافت آن وقت بیشتری (تا سه برابر وقتی که صرف بافتن عباى با پشم گوسفند می‌شود) می‌گیرد. همچنین موچینی و پرداخت آن مستلزم صرف وقت بیشتری است که مجموعه‌ی این عوامل باعث می‌شود که بافندگان، استفاده از کرک شتر را مقرون به صرفه ندانسته و از آن پرهیز نمایند. پشم مورد مصرف در عبا بافی مانند سایر الیاف نباتی و حیوانی دارای ناخالصی‌هایی است که باید از آن گرفته شود. بدین منظور توده‌ی پشم طی مراحل مختلفی از مو، خار و خاشاک، چربی‌ها، گرد و خاک پاک می‌شود. در اولین مرحله، توده پشم موکشی و موها و خاشاک آن با دست بیرون کشیده شده و بعد از آن در صورت لزوم رنگ‌رزی می‌شود. عبا در چهار رنگ سیاه، قهوه‌ای تیره، شتری و زرد تهیه می‌شود. رنگ طبیعی کرک قهوه‌ای روشن متمایل به کرم است و برای تهیه‌ی بافته‌هایی به رنگ‌های دیگر از مواد رنگ‌دار طبیعی مانند پوست گردو، روناس و... استفاده می‌شود سپس پشم را شسته و پس از خشک کردن، آن را به حلاجی می‌برند. پشم بارها به ماشین حلاجی سپرده می‌شود و باز پس گرفته می‌شود و هر بار لطیف‌تر و در فواصل پر حلاجی با تیغ بریده می‌شود تا رشته‌های آن طول خود را از دست بدهند. این عمل بارها تکرار می‌گردد چنان که توده پشمی که قبل از موکشی هفت کیلو وزن داشته است بعد از حلاجی به چهار کیلو و نهایتاً پس از ریسیدن و بافته شدن عبا تنها دو کیلوگرم وزن خواهد داشت.

فعالیت‌هایی از قبیل موکشی، رنگ‌رزی، شستشو، ریسیدن و ماسوره پیچی برعهده‌ی زنان است که

رژو، شتی در مورد تولید

عبا و ستر تاریخی عبا بانی در ایران

۱- طرح بافت عبا: ساده‌ترین طرح بافت یعنی طرح تافته یا یک در میان در این نوع محصول به کار رفته است که می‌توان با دو لنگه ورد به صورت یک خالی و یک پر و یک ماکو به راحتی بافت.

۲- جنس عبا: از ابتدای شکل‌گیری عبا، پشم گوسفند و شتر مورد استفاده قرار می‌گرفت اما گاهی اوقات از موی بز هم برای تنوع استفاده می‌شد. در قدیم الیاف بلند پشم گوسفند را برای عبا‌های تابستانی و پشم‌های کوتاه و پست را برای عبا‌ی زمستانه که درست وزن آنها با هم نسبت یک به دو بود؛ استفاده می‌کردند.

عبا از جمله دست‌بافته‌های سنتی ایران است که از دیر زمان در مناطقی چون بوشهر، کوهپایه اصفهان و نائین تولید می‌شد و از قدیمی‌ترین اثر ورد یا از پارچه دستباف در ایران متعلق به ۴ هزار سال پیش در شوش است. در حال حاضر نیز معروف‌ترین و مرغوب‌ترین عبا‌های پشمین در محمدیه (محله تاریخی کهن نائین واقع در ۱۵۰ کیلومتری شهر اصفهان) انجام می‌گیرد. این رشته صنایع دستی با حفظ و شیوه‌های سنتی و با استفاده از مواد اولیه طبیعی به عنوان ممر اصلی در معاش اهالی محمدیه در طول سده‌های اخیر مطرح بوده است.

پشم اعم از پشم گوسفند یا شتر ماده اصلی تهیه عباست. در گذشته‌های نه چندان دور پشم به عنوان تار نیز در بافت عبا به کار می‌رفته است اما امروزه برای چله‌کشی عبا از نخ‌های پنبه‌ای شماره ۳۲/۲ و ۲۵/۲ که توسط کارخانجات ریسندگی تولید می‌شود و علاوه بر داشتن ضخامت یکنواخت، چله‌کشی آن نیز سهل‌تر انجام می‌گیرد، استفاده می‌شود. حدود ۵۰ سال پیش هم نخ چله مانند حالا از بازار اصفهان خریداری می‌شد. استفاده از پشم گوسفند بنا به عللی از قبیل سهل الحصول بودن، قابلیت بافت سریع‌تر،



شکل یک: یک دستگاه عبا بافی که با دولنگه ورد چوبی که میل میلک‌های آن از جنس نخ می‌باشد و یک ماکو که حامل نخ پشم به‌عنوان نخ بود به پایه‌های حرکت‌دهنده به‌صورت معکوس یکدیگر حرکت می‌کنند و ایجاد دهنه به‌وسیله نخ‌های تار برای حرکت ماکو (پود) انجام می‌دهند؛ دیده می‌شود.

اثر بالا و پایین رفتن وردها دو دسته تار از هم باز شده و به اصطلاح دهنه ایجاد می‌کنند و در این حال با عبور ماکو از وسط دهنه پودگذاری انجام می‌شود. سپس با زدن دفتین و عوض کردن پاها دهانه‌ی تارها تغییر کرده و امکان عبور مجدد ماکو و بافت یک رج دیگر از پارچه مهیا می‌شود.

کنترل عرض پارچه برعهده‌ی «متید» و ایجاد کشش متناسب تارها در پشت ورد برعهده‌ی «مفیله» خواهد بود. به تدریج که عمل بافت پیش می‌رود مقدار بیشتری از تارهای نورد عقب باز شده، پارچه‌ی بافته شده روی نورد جلو پیچیده می‌شود تا بالاخره قواره‌ی شش متری عبا تکمیل گردد.

پرداخت

پس از اینکه بافتن عبا خاتمه یافت آن را از نوردهای عقب و جلو باز می‌کنند و رشته اضافی تارها را از ابتدا و انتهای قواره می‌چینند. اکنون مرحله‌ی پرداخت عبا فرا می‌رسد.

پرداخت عبا نیز ابزارهای مخصوص خود را دارد که عبارتند از:

***سوزنی:** که تخته‌ای مربع‌شکل بوده و بر یک ضلع آن ردیفی از سوزن‌های نوک تیز تعبیه شده، سوزنی که پرزهای اضافی را از لابلای بافت عبا بیرون کشیده به سطح می‌آورد.

***پرداخت:** تخته‌ای است با ابعادی متناسب با کف

دست انسان که روی آن را با ورق‌ی آجیده از حلبی پوشانده‌اند. پرداخت، سطح عبا را از زائادات باقیمانده پاک کرده آن را لطیف و یکنواخت می‌سازد.

***درفش:** زواید و خاشاکی را که با پرداخت و سوزنی به سطح عبا بالا آمده‌اند، بیرون می‌کشد.

***منقاش:** برای برداشتن خاشاک و زواید داخل تار و پود عبا با درفش توأمان عمل می‌کند.

***تیغ عباتراشی:** که موهای سطح عبا و پرزهای برآمده را تراشیده از بین می‌برد.

***قیچی** برای صاف کردن لبه‌های کناری عبا و چیدن پرزهای خوابیده‌ی کناره پس از اطو کردن.

***سنگ یشم** برای تیز کردن تیغ

***اتوی ذغالی**

پس از باز کردن پارچه‌ی عبا از دستگاه بافندگی، آن را روی گود دیگری برده و نورد پرداخت می‌بندند. ابتدا

و انتهای قوره‌ی بافته شده را به دو نورد عقب و جلو محکم می‌نمایند و با سوزنی در یک جهت روی آن

می‌کشند تا پرزهای درگیر تار و پود را به سطح پارچه بکشند. پس از آن به وسیله‌ی تیغ عباتراشی پرزها

و موهای زائد سطح پارچه را می‌تراشند تا زیردست آن نرم و یکنواخت گردد. سپس مجدداً پارچه را از

نورد باز می‌کنند و روی میزی پهن و عمل اطوکشی را بر آن انجام می‌دهند. در این مرحله محلولی که

مرکب از آب، برگ ساییده‌ی حنا و مقدار کمی صابون است به واسطه‌ی گلوله‌ای پشمی بر سطح

عبا کشیده می‌شود به نحوی که آن را نمناک سازد. سپس اتوی ذغالی را که قبلاً خوب داغ شده است با

فشار و محکم روی آن می‌کشند تا باعث انسجام و استحکام بیشتر تار و پود و خوابیدن پرزهای باقیمانده

روی سطح عبا گردد. آن‌گاه نوبت به پرداخت می‌رسد و بعد از آن با استفاده از درفش و منقاش تا جایی که

چشم می‌بیند و دست لمس می‌کند، خس و خاشاک تیزی‌ها و زبری‌های الیاف بیرون کشیده می‌شود و

مجدداً پرداخت انجام می‌گیرد. در انتها نوبت به صاف کردن کناره‌های دستیافته است که به وسیله قیچی

لبه‌ای آن را هموار می‌کنند و پرزهای خوابیده در کناره‌ی عبا را می‌چینند.

می‌دانیم که پشم و فرآورده‌های پشمی بهترین و مناسب‌ترین پوشش برای بدن هستند و از لحاظ

بهداشتی، هماهنگی کاملی با پوست بدن انسان

دارد. پشم؛ دارای بهترین حالت الاستیته است و به روی بدن، شکل‌پذیری دارد به‌طوری که شکل آن در اثر کشیدگی و فشار تغییر نمی‌کند. پشم و عبا بسیار ضربه‌پذیر و در مقابل پارگی مقاوم هستند (به خصوص پشم ایران که برای بافت عبا و فرش، بهترین نوع محسوب می‌شوند).

شناسنامه تولید عبا

در مورد کارایی عبا در کتاب سرو ته یک کرباس (نوشته محمدعلی جمالزاده) چنین آمده است: عبا هم

مثل بسیاری از چیزهای قدیمی خودمان که دست مقتضیات و حوائج هزاران ساله ما آنها را زائیده و به

وجود آورده است؛ به هزار کارمان می‌خورد و در هر موقع هزاران دردهای بی درمانمان را دوا می‌کند. در

تابستان، جلوی گرد و غبار و در زمستان، جلوی برف و باران را می‌گیرد. هم رو انداز است و هم زیرانداز.

وقتی خواستی بخوابی، گاهی ملافه (ملحفه) و گاهی شمد و گاهی زیرگوشی و نازبالش می‌شود و گاهی

کار لحاف و گاه دیگر کار تشک و چه بسا کار لحاف و تشک هر دو را می‌کند.

روز، انسان را از شر مگس و زنبور و شب از نیش پشه و عقرب و مار و مور ننگه می‌دارد. پهنش بکنی سفره

است. زیرپا بیندازی فرش است. روی فرش بکشی احرامی می‌شوی. روزهای گرم تابستان، روی کاسه

یخ می‌اندازیم که یخ آب نشود و شب‌های تابستان بالای بام به‌جای یک دستگاه پشه‌بند خدمت می‌کند

حقاً که نسخه اکمل تمام بالاپوش‌هاست و انسان هر قدر هم سر و وضعش غیر مرتب و رخت و لباسش،

کهنه و چرکین باشد همین قدر که یک فرد، عبا‌ی آبرومندی بر دوش داشت، همه جا محترم است.





پشم و فرآورده‌ای پشمی بهترین و مناسب‌ترین پوشش برای بدن هستند و از لحاظ بهداشتی، هماهنگی کاملی با پوست بدن انسان دارد. پشم؛ دارای بهترین حالت الاستیته است و به روی بدن، شکل‌پذیری دارد به طوری که شکل آن در اثر کشیدگی و فشار تغییر نمی‌کند.

کاه و خار و خاشاک آکنده؛ چوبی از آستین‌هایش گذارنده و به صورت زشت و مهیب و مترسک در باغ و مزرعه‌اش می‌نشانند...

تاریخ هنرمندان و صنعتگران ایرانی چنان در عالم تجلی کرده که هرگونه صنعت این کشور در تمام عالم بی‌نظیر و بی‌بدیل بوده؛ انواع کالاهای ایرانی از لحاظ طرح و رنگ و زیبایی، زبازد همه جهانیان بوده است چنان‌چه عباى ایران به تمام کشورهای همسایه، سالیان طولانی صادر می‌شد و تمام مردم اشتیاق به خرید آن داشته و دارند. امروزه با پیشرفت پارچه بافی و ماشین‌های مدرن و تمام اتوماتیک هنوز هم عباى نائین ایران خریداران بسیار دارد و کشورهای عربی همسایه با لذت عباى ایران را در بر می‌نمایند.

هر کدام از پارچه‌های ایران دارای شناسنامه مخصوص به خود است و سیاحان و مورخین دنیا از آنها یاد کرده و ارزش مخصوصی برای آنها در نظر گرفته‌اند و در موزه‌های جهان، نمونه‌ای از آنها موجود است. با پیدایش صنایع جدید بافندگی؛ عباهایی از جنس پنبه، پنبه و پشم، پنبه و پلی‌استر، پلی‌استر و پشم با نهایت زیبایی در جهان تهیه می‌شوند که با رنگ‌های زیبا و بدیع آنها را تهیه و تولید می‌نمایند اما هیچ‌کدام ارزش مقایسه با عباى نائین را ندارند و تمام ثروتمندان عرب افتخار دارند که از نوع عباى پشمی دستباف نائین اصفهان استفاده می‌کنند.

که شرح و بسط آن خارج از حیز امکان است و از آن جمله مثلاً برای صاف کردن برنج در کمال خوبی جای «سماق پالان» در زبان اصفهانی به معنی صافی است که با آن برنج پخته را صاف می‌کنند» را می‌گیرد و در مقابل آفتاب، چتر می‌شود و در موقع ضرورت کار توبره را می‌کند. خلاصه آنکه در هزار موقع، کار چادر شب و دستما و جوله و گلیم و شوستری و نم‌آبادی و بقیچه و خرچین و ترک بند و صدها چیزهای دیگر را می‌کند و از روی انصاف و مروت می‌توان ادعا نمود که در میان تمام آلات و ادوات و اسباب زندگی از عبا، دمکرات‌تر و فقیرنوازتر وجود ندارد و هیچ‌کس و هیچ‌چیز به اندازه عبا به مردم این آب و خاک خدمت ننموده است. مقام عبا به قدری بلند است که حتی حافظ شیراز در حقیقت گفته «داشتم دلقی و صد عیب مرا می‌پوشید خرقة رهن می و مطرب شد و ز نار بماند»

چون عبا از جمله چیزهایی هم هست که انسان در موقع ضرورت می‌تواند نزد بقال و چقال گرو هم بگذارد. از همه این‌ها گذشته از جمله محسنات عبا یکی هم این است که مانند مواهب و عطایای طبیعت از قبیل هوا و آب و آفتاب تمیز و تشخیص نمی‌شناسد و در نظر مساوات اثرش ترک و تاجیک و عرب و کرد و لر و افغانی برابر است و میان آقا و نوکر و خان و میرزا و شیخ و شاب و سید و عام ابداً فرقی نمی‌گذارد. این دوست باوفا و این خادم صادق بی‌مزد و منت که از همان ساعتی که به دنیا می‌آیم به روی گهواره و نعنوی ما می‌اندازند تا لب‌گور که به روی تابوتمان می‌کشند. با همه آزار و زحمتی که از ما می‌بیند؛ هیچ‌گاه در خدمتگذاری بی‌ریا کوتاهی روا نمی‌دارد و تازه وقتی هم که صاحبش خرقة تهی می‌کند اگر در میان ایلات و عشایر باشد؛ وصله سیاه چادر قبیله می‌گردد و اگر در دهات و در میان مردم روستایی باشد آن را از

روی زانو بکشی پتو است، جلوی در آویزان کنی، پده و وسط ایوان و مهتابی بکشی، تجیر می‌شود. در موقع آب‌تنی، لنگ است و بعد از آب‌تنی قطیفه می‌شود. تا بر دوش من و توست اسمش عبا و ردا و مورد همه‌گونه احترام است و به محض این‌که به پشت الاغ و قاطر و مادیان افتاد؛ تغییر نام داده جل و جاجیم می‌شود. بار و بنشن و یا زغال و خاکه خریدهاید و گاله و جوال ندارید، سوراخ‌های آستین‌های عبا را با نخ قند و قاتمه بهم بیاورید و هر جنس و متاعی دارید؛ در آن بریزید؛ فوراً کیسه و جانخانی می‌شود. دور کمر ببندید شال می‌شود؛ دور سر بپیچید دستار می‌گردد؛ احياناً اگر جایی نخوآستید آشنایی بدهید به سر می‌کشید و همین‌که خواستید شما را به جا آورند پائین می‌کشید. اگر سردماغید یک شاخ می‌اندازید و اگر بخواهید به کسی احترام نشان بدهید دستهایتان را به ادب از دو آستین بیرون می‌آورید.

حالا آمدیم و اهل جنگ و دعوا و مر قمه و قداره باشید. در یک چشم به هم زدن به دور مچ می‌پیچد و حکم سپر پیدا می‌کند. در بحبوحه گرما همین‌که عبا را به سر کشیدید خاطر جمعی که آفتاب گیج‌تان نخواهد کرد و در عین زمستان وقتی زیر عبا کز کردید؛ آسوده باشید که دیگر سوز و سرما، گوش و دماغتان را نخواهد برد. برای شکارچی‌ها، چادر و پوشش و قلندری و خیمه می‌شود و ساکنین لب رودخانه‌ها و کنار دریاها و دریاچه‌ها بدگل و دیرک کشتی و قایق بسته کار شرع را می‌کند و در موقع به جای تور می‌توانید با آن ماهی بگیرید.

دستفروشان در جلو خان مساجد و روی سکوی تکایا و مدارس و در کنار و گوشه میدان‌ها به زمین گسترده خنزر و پنزر و آشغال و متاع خرده‌فروشی خود را روی آن می‌چینند و برای خود حکم بساطی را پیدا می‌کنند. در سیاحت و مسافرت‌های دراز و کوتاه؛ خدمات گوناگونی به مسافر و زوار می‌نماید

